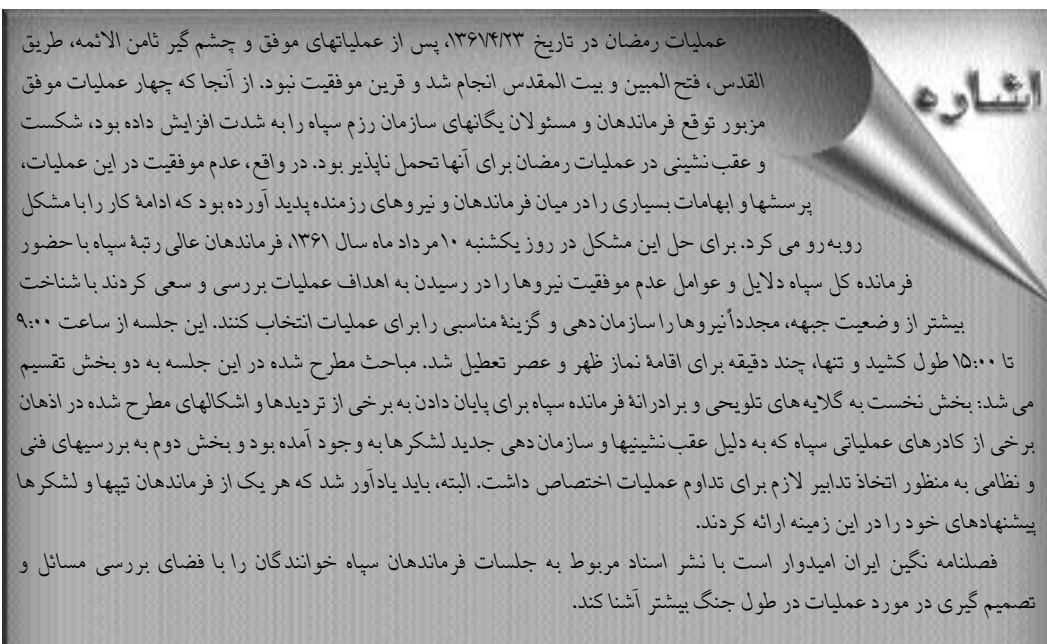


## جلسه فرماندهان سپاه پس از پایان عملیات رمضان

پیاده شده نوارهای شماره ۶۸۰۱ تا ۶۸۰۵

آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ



عملیات رمضان در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۳، پس از عملیاتهای موفق و چشم گیر ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس انجام شد و قرین موفقیت نبود. از آنجا که چهار عملیات موفق مزبور توقع فرماندهان و مسئولان یگانهای سازمان رزم سپاه را به شدت افزایش داده بود، شکست و عقب نشینی در عملیات رمضان برای آنها تحمل ناپذیر بود. در واقع، عدم موفقیت در این عملیات، پرسشها و ابهامات بسیاری را در میان فرماندهان و نیروهای رزمنده پدید آورده بود که ادامه کار را با مشکل روبه رو می کرد. برای حل این مشکل در روز یکشنبه ۱۰ مرداد ماه سال ۱۳۶۱، فرماندهان عالی رتبه سپاه با حضور فرمانده کل سپاه دلایل و عوامل عدم موفقیت نیروها را در رسیدن به اهداف عملیات بررسی و سعی کردند با شناخت بیشتر از وضعیت جبهه، مجدداً نیروها را سازمان دهی و گزینه مناسبی را برای عملیات انتخاب کنند. این جلسه از ساعت ۹:۰۰ تا ۱۵:۰۰ طول کشید و تنها، چند دقیقه برای اقامه نماز ظهر و عصر تعطیل شد. مباحث مطرح شده در این جلسه به دو بخش تقسیم می شد: بخش نخست به گلایه های تلویحی و برادرانه فرمانده سپاه برای پایان دادن به برخی از ترندها و اشکالهای مطرح شده در اذهان برخی از کادرهای عملیاتی سپاه که به دلیل عقب نشینیها و سازمان دهی جدید لشکرها به وجود آمده بود و بخش دوم به بررسیهای فنی و نظامی به منظور اتخاذ تدابیر لازم برای تداوم عملیات اختصاص داشت. البته، باید یادآور شد که هر یک از فرماندهان تیپها و لشکرها پیشنهادهای خود را در این زمینه ارائه کردند.

فصلنامه نگین ایران امیدوار است با نشر اسناد مربوط به جلسات فرماندهان سپاه خوانندگان را با فضای بررسی مسائل و تصمیم گیری در مورد عملیات در طول جنگ بیشتر آشنا کند.

و مشکلات برای برداشتن قدمهای بلندتر بعدی، که مد نظر امام است و ایشان مرتب آنها را برای ما و مردم بیان می کنند، ابهاماتی را ایجاد می کند. دیشب، تصمیم گرفتم که در جلسه امروز، به برادران عزیزم عرض کنم که هر کسی نمی خواهد در سازمان رزم و جنگ بماند، خیلی خالصانه و صادقانه بگوید، سوگند یاد می کنم که در این زمینه، با هیچ کس صحبت نکنم و به برادران دیگر نیز تأکید می کنم که درباره رفتن شما با هیچ کس صحبت نکنند. هر کس

در آغاز جلسه، برادر مصطفی ردانی پور، فرمانده قرارگاه فتح، آیتی از ابتدای سوره محمد (ص) را همراه با ترجمه آنها قرائت کرد و سپس، برادر محسن رضایی سخنانی را به شرح زیر ایراد نمود:

«دیشب یکی از شبهای بسیار نگران کننده عمرم بود. هنگامی که شرح غم انگیز اظهار عجز فرماندهان تیپ را شنیدم، احساس کردم که دوستان و همکارانم با مشکلاتی روبه رو شده اند که باید آنها را حل کرد. در واقع، این مسائل

کاری یا مشکلی دارد و نمی‌خواهد در لشکر و جبهه بماند، می‌تواند در سپاه شهرستانش به خدمت مشغول شود، تا دست کم چند نفری که باقی می‌مانند با هم قسم یاد کنند که تا پای مرگ با هم باشند. کاری نکنید که اعتبار خون شهیدان از بین برود، اگر این طور شد، هیچ فایده و ثوابی نخواهیم برد. هر کس می‌خواهد بماند و کار کند، باید جبهه (منطقه) عملیاتی) خودش را مشخص کند و به کار ادامه بدهد، هر کس هم که نمی‌خواهد بماند، می‌تواند هم اکنون برود. ما کار را با سه نفر هم آغاز می‌کنیم، بعد به خدمت امام می‌رویم و می‌گوییم آقا وضعیت ما بدین شکل است و شاید این کار ده ماه طول بکشد.

بدین ترتیب، مطمئن هستیم که کار اندکی انجام می‌شود، عزیزان، اگر قصد ماندن دارید، بیاید با هم سوگند یاد کنیم و جلو برویم؛ مگر چه شده که با بروز یک مشکل این قدر زود عصبانی شده‌اید؟! آیا چیز عجیبی اتفاق افتاده است؟! چرا این طور برخورد می‌کنید؟! اگر نسبت به تشکیل و راه‌اندازی لشکری انتقاد دارید، آن را مطرح کنید، اما عدم اعتقاد به ایجاد لشکر نباید کارها را متوقف کند.

حال اگر قرار شد در آینده نزدیک، خدمت امام بروم، به ایشان چه بگویم؟ اگر مشکلات این عملیات (رمضان) را بگویم و برای نمونه عنوان کنم که اصلی‌ترین مشکل ما در عملیات رمضان شکل پدافندی خطوط دشمن و زمین منطقه بوده است، ایشان خواهند گفت، اینکه مسئله‌ای نیست، مطمئن باشید و جلو بروید. در این صورت، اگر من هم قولی بدهم و بیایم اینجا و ببینم باز هم وضع به همین شکل است، با مشکلات اساسی روبه‌رو خواهیم شد. خواهش من از شما این است که امروز تصمیمتان را بپذیرید تا به بحثمان ادامه دهیم؛ زیرا، ادامه کار به شکل سابق ناممکن است.

در پایان سخنان برادر محسن رضایی، سکوت عجیبی جلسه را فرا گرفت، چند لحظه بعد، صدای حق‌گویی تعدادی از فرماندهان سکوت جلسه را شکست و سپس، برادر قاسم سلیمانی، فرمانده تیپ ۴۱ ثارالله، در میان همه حضار سخنانی را ایراد کرد:

«برادرانی که اینجا هستند در رویارویی با این مشکلات به خانه‌هایشان برنمی‌گردند، حتی حاضر نیستند سالم برگردند؛ زیرا این رانگ می‌دانند. در واقع، همه آمده‌اند تا جزء یاران امام حسین (ع) باشند. روزی که برادران به

جبهه‌های جنگ آمدند، قسم خوردند که از پدر، مادر، زن، بچه و... بگذرند. به عبارت دیگر، دیگر برای آنها دنیایی مطرح نیست. سکوت برادران رنج‌آور است. آنها غیر از گریه پاسخ دیگری ندارند.

من استدعا می‌کنم که شما کارتان را ادامه دهید؛ زیرا، برای ادامه عملیات، هیچ یک از برادران مشکلی ندارند، اگر مشکلی هم مطرح باشد دلیل آن دلسوزی است، نه تمرد. ما مسلمانیم و همان طور که شما هم می‌دانید بزرگ‌ترین اصل اسلام اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم است؛ مسئله‌ای که برای ما جا افتاده و آن را پذیرفته‌ایم؛ بنابراین، هیچ یک از مسائلی که شما فرمودید، مطرح نیست و هیچ یک از برادران قصد بازگشت ندارند، مگر اینکه آنها را از جبهه بیرون کنید یا اینکه جنازه‌شان را به خانواده‌شان تحویل دهید».

سپس، حسین خرازی<sup>(۱)</sup> با جسارت و صراحت خاص خود، طوری صحبت کرد که تا حدی فضای احساسی و عاطفی جلسه را به سمت طرح مباحث استدلالی کشاند:

«ما با برادران آشنا هستیم و با آنها رفت و آمد داریم، ان‌شاءالله آنها بر تعهد خود باقی هستند؛ چرا که با خدا و با امام حسین (ع) عهد بسته‌اند که یا حسین، انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامه. اما در مورد این مسئله که عنوان می‌شود برخی از برادران نمی‌خواهند بجنگند، باید بگویم، این گونه نیست. برای نمونه، دیروز یک گردان از رزمندگان محله خود ما به من گفتند: ما تازه آمده‌ایم و آموزش هم ندیده‌ایم، بگذارید ما دست کم، دو تا سه روز برویم آموزش ببینیم، بعد هر کجا خواستید، می‌رویم، اما اگر تکلیف این باشد که هم اکنون، خود را برای عملیات آماده کنیم، همین حالا هم آماده هستیم. برادران برای جنگیدن و شهادت به جبهه آمده‌اند، اصلاً چیزی جز این در مخیله آنها نیز نمی‌گنجد، تنها مسئله این بوده است که به برادران تأکید کردم در عملیات دقت عمل بیشتری داشته باشند و اگر وقت و زمان کافی در اختیار داریم روی آموزش بچه‌ها بیشتر کار کنیم. پیش از این شناسایی که می‌کردیم، خود فرمانده تیپ بر کار تخریبی نظارت می‌کرد تا معبر مین را شناسایی کند، اما اکنون، این گونه نیست و شما می‌توانید این موضوع را از برادران فرمانده تیپ پرسید. در واقع، ما تنها می‌خواهیم به این مسائل رسیدگی بشود، حرف ما این نیست که نمی‌جنگیم یا

(۱) حسین خرازی فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین (ع) بود. با تغییرات تشکیلاتی جدید، علی زاهدی فرماندهی تیپ را به عهده گرفت و به حسین خرازی نقش معاون و مشاور لشکر فتح واگذار شد.

نمود. نظرمان این بود که مسئولان هر واحد، افراد خودشان را جمع کنند و در مورد مسائل موجود با آنها صحبت کنند و از آنها بپرسند آیا امروز، همان طور هستید که در نخستین روزهای عملیات آبادان و فتح المبین بودید یا فرق کرده اید؟ بدین ترتیب، در کل، در ملاقاتهایی که با بچه‌ها و مسئولانمان داشتیم، مشخص شد بیشتر افراد با توکل صدرصد پیش نمی‌روند و بیشتر به اسلحه، مهمات و تجهیزات تکیه دارند. عملیات اخیر، به رغم سرمایه‌گذاریها و تلاشهایی که انجام شد به نتیجه نرسید.

نمی‌دانم چرا این طور شد و نیروها عقب نشینی کردند؟ به نظر من، باید یک مقدار در برنامه‌هایمان تجدید نظر کنیم. اگر ده تا عملیات دیگر هم به همین شکل انجام بگیرد، نتیجه به همین صورت خواهد بود. با این حال، ما همچنان ایستاده‌ایم و تا روح در بدن داریم می‌جنگیم و هیچ‌گاه، از آن فرار نمی‌کنیم. در واقع، تنها از آن می‌ترسیم که ما را از جبهه و جنگ بیرون کنند یا پس از جنگ، در حالی که هر یک از محله‌های پانصد یا ششصد نفری ما ۳۶ نفر شهید داده‌اند، سالم به خانه‌هایمان باز گردیم. من با نوزده نفر دیگر به جبهه آمدم که اکنون، از آن جمع تنها من زنده‌ام. در واقع، همگی ما چنین چیزهایی را شاهد بوده‌ایم، حال چگونه و با چه وجدانی می‌توانیم بگوییم که خدای نکرده، نمی‌خواهیم بجنگیم».

بعد از این سخنان، برادر رحیم صفوی در مورد انتقال

می‌خواهیم کارشکنی و سستی کنیم. حرف ما این است که آیا از نیرویی که کیفیت لازم را ندارد و به راحتی شهید و زخمی می‌دهد؛ نیرویی که می‌خواهد پشت خاکریز برود، متوقف می‌شود یا به کندی حرکت می‌کند، می‌توانیم انتظار داشته باشیم با عراقیها بجنگد؛ و جلو تیربار آنها مقاومت کند یا خودش مانور بدهد. خب اینها مسائلی است که مطرح شده است، اما به معنای این نیست که برادران نمی‌خواهند بجنگند. صحبت این بوده است که برادران از نظر کیفیت رزمی پیشرفت کنند و ما باید در همین خطهای پدافندی فرماندهان گردان، فرماندهان گروهان را آماده و نیروهای برجسته را شناسایی کنیم و بدانیم چه کسی خوب تیراندازی می‌کند، چه کسی می‌تواند خوب تانک بزند، چه کسی را می‌توانیم فرمانده گروهان بکنیم؟»

سپس، احمد کاظمی، فرمانده تیپ نجف اشرف، گفت: «در انجام عملیات رمضان، سرمایه‌گذاریهای بسیار زیادی را شاهد بودیم. واقعاً، فرماندهان و مسئولان لشکرها برای انجام این عملیات سرمایه‌گذاری و فعالیت کردند. بعد که عملیات به این شکل پیش رفت و نیروها به مواضع پیشین برگشتند و آن سخنان شما بعد از برگشتن در قرارگاه فتح همه را به فکر فرو برد و مسائلی را مطرح کرد که در جلسه‌ای بررسی شد. سپس، برادر رحیم صفوی صحبت کردند و این تصور به وجود آمد که برداشت ایشان این است که ما از جنگیدن خسته شده‌ایم؛ در صورتی که این طور



مطالب جلسه پیش به فرماندهی، بر رعایت امانت تأکید کرد و گفت: «صحبت‌هایی که دیروز در جلسه فرماندهان لشکر مطرح شد، به همراه نواز آن در اختیار برادر محسن است. باید یادآور شد که این مطالب با حفظ امانت گفته شده است.» [صلوات حضار]. سپس، مصطفی ردانی پور، فرمانده قرارگاه (لشکر) فتح سپاه، طی سخنانی جلسه را مجدداً به سمت فضایی احساسی، عاطفی و اخلاقی برد و بر توسل و توکل به خدا تأکید کرد. وی که با احساسات شدیدی صحبت می‌کرد، گفت:

«من فکر می‌کنم جو جلسه جو خوبی نباشد؛ بنابراین، برادران رو به قبله بنشینند تا با امام زمان تجدید پیمان کنیم و بگوییم از همان نخستین لحظه با این شعار به جبهه‌ها آمدیم و تا اکنون هم همین شعار را داده‌ایم که یازارت قبر امام حسین (ع) و تجدید عهد با امام حسین (ع) در کنار ضریح مطهرش یا ملاقات خود امام حسین (ع) در آن دنیا، که تنها با شهادت‌مان حاصل می‌شود.» وی خطاب به فرمانده کل سپاه افزود: «ما مطیع فرمانده خود هستیم، اگر کسی بحثی می‌کند، این نه به معنای سرپیچی از امر شما، بلکه انعکاس نظر ما در مورد مسائل مطرح شده است و در نهایت، تصمیم گیرنده خود شما هستید و ما در مقابل آن کاملاً تسلیم هستیم.»

بعد از سخنان چند تن از فرماندهان، محسن رضایی دوباره صحبت کرد:

«گاهی مسائلی وجود دارند که انسان به رغم ساده بودن آنها، درکشان نمی‌کند. این مسئله در قرآن هم بسیار روشن و واضح مطرح شده است: نصرت همیشه از طرف خداست و پیروزی همیشه از طرف خداست و ثمره هر کار خوبی از طرف خداست؛ موضوعی که برای ما نامفهوم است. در برخی از آیات قرآن، موضوع ملاقات انسان با خدا طرح می‌شود. من با تعمق در این آیات، به این نتیجه رسیدم که اصلاً، راز خلقت همین است و خداوند ما را به سوی خودش می‌کشاند. به عبارت دیگر، ما را در برابر این حوادث قرار می‌دهد، تا در کوران حوادث مقاوم و خالص شویم؛ بنابراین، هیچ حرکتی صورت نمی‌گیرد، مگر به اذن خدا؛ موضوعی که ما بدان توجه نداریم؛ زیرا، هنگامی که کاری به نتیجه می‌رسد، خود را عامل پیروزی و در شکست‌هایمان، دیگران را مقصر می‌دانیم. علت این طرز تفکر چیست؟ چرا انسان حاضر نیست مسئولیت شکست خود را بپذیرد. معمولاً افراد دنبال این می‌گردند که برای شکست‌هایشان توجیهی بیابند. البته در مورد عملیات اخیر،

این طور نیست که ضعفی وجود نداشته باشد به هر حال، در همه جا ضعف هست، اما حرف من در مورد روحیه و نحوه برخورد شما با مسائل است، نه اینکه می‌خواهید به خانه‌هایتان برگردید. برای نمونه، همین موضوع که می‌گویید: آقا ما وقت می‌خواهیم. در این مورد باید گفت ما نمی‌خواستیم عملیات جدیدی را اجرا کنیم، بلکه هدف ما تنها این بود که این ۶۰ یا ۷۰ درصد کار احداث خاکریز و برداشتن میدان‌های مین را پیش از آنکه دشمن بتواند در آنجا سنگر و موضع بگیرد، تکمیل کنیم. البته، در این راستا، از نیروهایی که عمل کرده بودند اصلاً استفاده نکردیم، گفتیم آمار نیروهای خسته‌ای را که نمی‌توانند عمل کنند، بدهید، نه اینکه نیروی جدید بیاورید؟! حالا فرض کنید که نسبت به این مطلب، انتقاد دارید، نباید این مسئله فرعی را اصل قرار دهیم و اکنون، که خداوند می‌خواهد ما را آزمایش بکند، صبرمان را از دست بدهیم. برادران عزیز، ما باید خدا را شکر گوئیم و ناسپاس نباشیم؛ چرا که بی سابقه است در یک عملیات، تک جبهه‌ای بکنیم و ۳۵ کیلومتر پیش برویم. ما در کدام یک از عملیات‌هایمان توانسته‌ایم در اجرای تک جبهه‌ای تا این حد به موفقیت برسیم؟ این جای شکر ندارد؟! چرا ما تنها تلفات و عقب نشینی خود را می‌بینیم؟ اینها بهانه است... مگر ما با رسیدگی به نیروها مخالفیم، مگر به شما گفتیم نیروهای تازه نفس را که آموزش لازم را ندیده‌اند و با منطقه آشنا نیستند، به کار بگیرد. ما این موضوع را درک می‌کنیم که نیروهایمان شناسایی می‌خواهند، زیرا معتقدیم که برای موفقیت در عملیات شما حتماً باید شناسایی انجام دهید، اما بحثمان این است که ما در این عملیات ۶۰ درصد کار را انجام داده، خاکریزهایمان رازده، دشمن را منهدم کرده‌ایم؛ بنابراین، باید عملیات را ادامه دهیم و این مناطق را تصرف کنیم و بدین ترتیب، رخنه‌ای را که در خط خودی ایجاد شده است، برطرف کنیم. البته، قصد داشتیم این اقدام را نه با به کارگیری نیروهای جدید، بلکه با استفاده از تیپ امام حسین (ع) و تیپ ۸ نجف انجام دهیم و حتی در این راستا، از آنها خواستیم که آمار بدهند و آنها اعلام کردند که هر کدام، یک گردان دارند. به رغم آنکه این تعداد کم بود و می‌دانستیم نیروی جدید نیز به لشکرشان آمده است، آنها را تحت فشار قرار ندادیم و گذاشتیم نیروهای جدید به عنوان احتیاط، باشند و در صورت لزوم روی آنها کار شود. به نظر من، برای پیشبرد کار باید متحد باشیم و با بروز کوچک‌ترین مشکلی اراده‌هایمان را از دست ندهیم، نسبت به یکدیگر بدبین نشویم و از



کنیم. اگر ما در داخل خودمان از استحکام لازم برخوردار نباشیم، نمی‌توانیم مسائل را پیش ببریم و مشکلاتمان را حل بکنیم. اگر قرار باشد هر کس طبق برداشت و نظر شخصی خود پیش برود دیگر اعتباری برای ما باقی نمی‌ماند. هنگامی که فرماندهان گردانها و گروهانها به شما مراجعه می‌کنند، باید طوری رفتار کنید که فکر کنند به نماینده‌ی امام مراجعه کرده‌اند و شما می‌خواهید مشکلاتشان را حل بکنید، نه اینکه خود فرمانده تیپ نیز پرسشی بر پرسشهایشان بیفزاید و بگوید: من افزون بر ابهامات شما، ابهام دیگری هم دارم. اگر واقعاً به بعضی از فرماندهانتان اعتماد ندارید، بگویید. یکی از مسائلی که در اسلام وجود دارد، بین بودن قضایا و مسائل است. در ابهام گذاشتن مسائل خطرناک است. خواهش من از برادران این است که شما نمایندگان ما در نزد بچه‌ها و فرمانده گردانها هستید اگر آنها انتقادی دارند یا خود شما مسئله‌ای دارید، باید به ما بگویید و پاسخش را دریافت کنید و در صورت پذیرش آن، از تصمیمها و اقدامات انجام شده دفاع کنید. درست است که انسان آزاد آفریده شده است، اما اگر تعهدی داد، مسئول است و باید پاسخگو باشد. این فرد را حتی اگر تاپای زندان و اعدام هم ببرند با توجه به حکم شرعی موضوع باید بر تعهد خود باقی باشد. به دلیل اینکه اسلام افراد را در انتخاب مسئولیت مخیر می‌گذارد. آقا یا می‌آیی انجام می‌دهی یا

یکدیگر انتقاد نکنیم، عزیزان این چنین کارهایی شایسته ارتش اسلام و فرد مسلمانی که در راه خدا جهاد می‌کند، نیست و باید این ضعفها رفع شود».

وی سپس، در مورد نحوه فرماندهی سپاه صحبت کرد و گفت: «در باره اساس نامه جدید سپاه در شورای نگهبان بحث شورایی یا فرماندهی بودن سپاه مطرح بود. در این ارتباط، بیشتر فقها اظهار کردند که شورایی بودن سپاه، با احکام صریح اسلام و اصول ولایت فقیه مخالف است. اعضای کمیسیون دفاع مجلس با توجه به در نظر داشتن آینده و تبعات آن، از این موضوع ناراحت شده بود. بنابراین، برای طرح مسئله به خدمت امام رفتند و امام فرمودند: «آقا سپاه نمی‌خواهد شورایی باشد، باید همان فرماندهی باشد». این بود که سپاه فرماندهی شد و متأسفانه، مسئولیت این کار هم به من واگذار شد. هر چند که خودم را لایق این سمت نمی‌بینم، اما اکنون مجبورم آنچه را تشخیص می‌دهم و صلاح می‌بینم، به شما بگویم. از شما نیز انتظار دارم که آن را بپذیرید و اطاعت کنید. البته، نه از شخص من، بلکه از نقشی که بر عهده من گذاشته شده است. به هر حال، هم اکنون، عده‌ای از برادران مرتب از بیرون و داخل سپاه فشار می‌آورند که چرا عملیات این طوری شد؟ چرا عملیات به اینجا رسید؟ اینها مواردی هستند که شاید تا پایان عملیات نیز نتوانیم آنها را توجیه

نگوییم به ما چه ربطی دارد. امیدوارم که خداوند قدرت لازم را برای آماده سازی سربازان حضرت مهدی به همه ما عطا بکند [ان شاء الله].

مسئله بعدی در مورد چگونگی عملیات آینده و ریشه یابی ضعف عملیاتی گذشته و یافتن راه حل آنهاست. ما حاضریم در این ارتباط نظرها و پیشنهادهای شما را در مورد طرحها بشنویم» [صلوات حضار].

بدین ترتیب، قسمت دوم جلسه به منظور بحث درباره چگونگی تداوم عملیات در منطقه عملیاتی رمضان، آغاز شد. نخست، ابراهیم همت، فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)، با بیان مقدماتی، گفت: «شبهه همین

نمی آیی انجام بدهی؛ اگر آمدی انجام دادی، باید تا آخرش بمانی. این بین بودن، صریح بودن، از مسائل اسلام است. شما نماینده های ما هستید و باید با تمام قدرت بکوشید تا روحیه بچه ها تضعیف نشود. در این راستا، باید مسائل را به آنها منتقل کنید و هر مسئله ای هم پیش آمد به ما گوشزد کنید.

لزوم تلاش برادران برای حل مسائل، نکته دوم است که باید بدان توجه شود. برادران، در مواجهه با مسائل، خودتان را خارج از گود فرض نکنید. نگویید حالا یک فرمانده لشکر انتخاب شده یا یک قرارگاه مرکزی درست شده است و دیگر ما مسئولیتی نداریم و کارهای انجام شده



مشکلاتی که شما راجع به تیپها و لشکرها دارید، ما نیز درباره گردانها داریم؛ چرا که در این منطقه، سه بار عملیات انجام داده ایم و هر سه بار عقب نشینی کرده ایم، در حالی که در قاموس رزمندگان چنین امری بی معناست و آنها تنها می خواهند پیش بروند و مناطق دشمن را تصرف کنند و در همان جا بمانند. آنها رودرروی تانک دشمن، به خاکریز چسبیده بودند و بدون ترس با آر.پی. جی. تانکهای دشمن را نشانه گرفته بودند و می زدند...، اما با این عقب نشینیها که پیش آمد، معلوم شد که باید در طرحهای خود، تغییراتی را ایجاد کنیم، مثلاً در جایی عمل کنیم که ۹۰ درصد تضمین پیروزی و تثبیت باشد. در این راستا، به دستور شما، با فرماندهان گردانها صحبت کردیم. آنها می گویند: شما از طرف کی رفتی گفتی که ما سه گردان نیرو آماده داریم؟ نیروهای ما آمادگی لازم را ندارند. برای رفع مسئولیت در

نیز بدون اشکال نیست، معمولاً، هر کاری هم نقاط مثبت و هم نقاط منفی دارد. در اینجا، نقاط منفی، از ضعف تشکیلاتی، یعنی جدایی بین افراد ناشی می شود. در واقع، یکی از ویژگیهای تشکیلاتها و سازمانها همیشه همین جدایی انداختن بین افراد است، با این حال، ما ناگزیریم تشکیلات و سازمان داشته باشیم. هنگامی که همه با هم هستیم، احساس می کنیم که باید کاری انجام دهیم، اما وقتی که تقسیم مسئولیت صورت گرفت، کم کم، این مطرح می شود که مسئول فلان کار نیستیم؛ بنابراین، بگذاریم دیگری این کار را انجام دهد تا شکست بخورد تا به او ثابت شود که نمی تواند از عهده کار برآید. برادران این نوع رفتارها درست نیستند و باید از بین بروند. در اینجا، ما باید تقسیم کار کنیم و سازمان و تشکیلات داشته باشیم و گرنه کارها پیش نمی روند، مسائل را به یکدیگر واگذار نکنیم و

اشاره به اینکه دشمن مرتباً، در منطقه مواعی را ایجاد و مین گذاری می کند، تأکید کرد که باید زودتر وارد عمل شد، ضمن آنکه اگر عملیات در شبها انجام شود، بهتر خواهد بود. وی برای اجرای عملیات در همان شب نیز اعلام آمادگی کرد، اما با اشاره به ضرورت آمادگی دستگاههای مهندسی و عبور از منطقه مثلثی و پدافند در بعد از آن و ضرورت تداوم عملیات با فاصله ۴۸ ساعت بعد از تصرف مثلثها، مشکلات کلی اجرای عملیات را برمی شمرد و در پایان، آماده بودن چهار گردان نیرو را در تیپ نجف اعلام کرد، اما باز هم بر ضرورت آمادگی برای تصرف و عبور از منطقه مثلثها و رفتن به سوی کانال ماهی را با فاصله اندک مورد تأکید قرار داد.

همچنین، احمد کاظمی یادآوری کرد که تیپ نجف شانزده تا هفده گردان داشته و حالا به این وضعیت دچار شده، ضمن آنکه دیگر تیپها نیز گردان شده اند.

سپس، قاسم سلیمانی، فرمانده تیپ ۴۱ ثارالله، با انتقاد از اینکه چرا تنها به تعدادی از تیپهای قوی توجه می شود، خواستار فعال شدن هر چهار قرارگاه شد و گفت چرا تنها باید دو قرارگاه (فتح و نصر) فعال باشند. وی در ادامه، درباره تکرار عملیات مرحله پنجم افزود، مثلثها منطقه بسیار سختی برای نبرد هستند و باید آنها را با حرکت از هور به پایین دور زد، سلیمانی همچنین، اجرای عملیات در غرب را توصیه کرد.

بدین ترتیب، بحث دور زدن مثلثها، ضرورت حرکت از شمال منطقه عملیاتی به جنوب آن را نشان داد. به همین دلیل، عبور از هور مورد بررسی قرار گرفت. محسن رضایی از غلامپور - که فرماندهی شمالی ترین بخش منطقه عملیاتی رمضان و مناطق متصل به هور را بر عهده داشت - پرسید که این قسمت را شناسایی کرده اند؟ غلامپور پاسخ داد: «یک تیم شناسایی که آنان را یک نفر نیروی بومی از القرنه نیز همراهی می کند، به سمت القرنه به راه افتاده است و شاید فردا یا پس فردا برگردد». وی در ادامه، مشکلات عبور و مرور در هور را توضیح داد و گفت: «از هور، نه می توان با قایق عبور کرد، نه بدون آن. دسته های شناسایی گاه مجبورند چندین کیلومتر قایق خود را بر دوش بگیرند و از خشکیهای وسط هور عبور کنند و سپس، آن را به آب بیندازند».

مهدی زین الدین، فرمانده جدید تیپ ۱۷ قم - که به تازگی تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) نامیده می شد - ضمن بیان مطالب مختلف، درباره عملیات پیشنهادی گفت:

قبال اشتباهات مزبور، تمامی پاسداران گردان و خود من به عنوان شخص ساده وارد عملیات می شوم، نه به عنوان مسئول. چون احساس می کنیم که اشتباه در سطح بالا خیلی می شود، هر چند در این ارتباط، برادران را توجیه کردیم، اما متأسفانه مسئولان گردان و گروهان توانایی توجیه دسته ها را ندارند، هنگامی که خود فرمانده گردان به حدی مستأصل می شود که می خواهد به عنوان فرد ساده ای در عملیات شرکت کند، دیگر تکلیف بسیجی زیر دست وی روشن است».

سپس، برادر همت با تشریح مشکلات اجرای عملیات در شب پیشنهاد کرد که عملیات در جبهه غرب مورد توجه قرار بگیرد. وی در عین حال، با اشاره به جا ماندن پیکر شهیدان در منطقه نبرد، تأکید کرد که راهی برای بازگشت وجود ندارد و باید تدبیری در این باره اندیشیده شود. در مجموع، برادر همت براساس تحلیل نظامی، راه حلی برای جنگیدن موفق در منطقه عملیاتی رمضان ارائه نداد و تنها پیشنهاد صریح وی، انجام دادن عملیات هم زمان (بعد از یک هفته تا ده روز بعد) در غرب بود. در پاسخ وی، فرمانده سپاه گفت: «این موضوع قابل بررسی است، اما برای انجام یک کار در خور توجه، دست کم، سه تیپ لازم است و اگر این میزان نیرو به جبهه غرب برود، استمرار عملیات در اینجا با مشکل روبه رو خواهد شد».

در اینجا، مصطفی ردانی پور به بحث وارد شد و با اشاره به اینکه مقداری بیشتر فکر بکنیم، استمرار عملیات را پیشنهاد داد و افزود: «حتی مانند آن مورچه که هفتاد مرتبه افتاد تا بارش را بالا برد، ما هم باید پایداری نشان دهیم. ان شاء الله لطف حق نیز شامل رزمندگان خواهد شد ... ما قطعاً باید تا بصره پیش برویم و من یقین دارم ما از اینجا به بصره می رسیم، اما باید محکم ایستاد و برای دستیابی به موفقیت بررسیهایی را انجام داد».

سپس، مرتضی قربانی، فرمانده تیپ ۲۵ کربلا، پیشنهاد کرد در منطقه مقابل جزیره مینو، با عبور از اروند عملیاتی انجام شود. آشکار بود که وی نیز با ادامه عمل در منطقه عملیاتی رمضان مخالف است. قربانی در پاسخ محسن رضایی که از وی پرسید: «چگونه از اروندرود عبور کنیم؟» گفت: «پل بزنیم». سپس، فرمانده سپاه اشاره کرد که احداث پل روی اروندرود امکان پذیر نیست. در ادامه، مباحثی درباره تلاشهای دشمن در مسلح کردن زمین منطقه مطرح شد و افراد نظر خود را برای تداوم عملیات ارائه کردند.

سپس، احمد کاظمی، فرمانده تیپ ۸ نجف اشرف، با

علی زاهدی، فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین (ع) نیز با ارائه توضیحاتی، در نهایت، پیشنهاد عمل کردن در مثلثها را به منزله مرحله نخست، تأیید و اجرای هم زمان عملیات را در جبهه غرب برای کاهش فشار دشمن از منطقه عملیاتی رمضان پیشنهاد کرد.

سپس، در نبود جعفر اسدی، فرمانده تیپ المهدی، معاون وی درباره اقدامات مهندسی و چگونگی انهدام نیرو و نیز درباره لزوم تداوم عملیات، توضیحاتی داد.

مهدی باکری، فرمانده تیپ ۳۱ عاشورا، نیز گفت: «ظاهراً راهکار بهتری غیر از عمل در منطقه منتهی به مثلثها (تکرار عملیات مرحله پنج) نیست. البته، نباید در دو کیلومتری قاعده مثلثی بمانیم؛ زیرا، در این صورت، مشکلات متعددی ایجاد می شود». باکری در ادامه افزود: «یا باید به رأس مثلثها برسیم - که به طور مطمئن، با مشکلاتی همراه خواهد بود - یا دست کم، باید به قاعده مثلثها برسیم و در آنجا پدافند کنیم و مرحله بعدی عملیات را نیز باید با فاصله زمانی اندکی آغاز کنیم، البته، آمادگی نیروها شرط اصلی این اقدام است. در واقع، آنها باید بتوانند پیش از اینکه دشمن اقداماتی را انجام دهد و نیروهایش را در این دشت مجدداً سازمان دهی کند، وارد عمل شوند».

باکری در پاسخ به این پرسش محسن رضایی که چند گردان نیرو دارد، گفت: «چهار گردان که البته سه گردان از آنها جدید هستند و در حال دیدن دوره آموزش اند و در این فاصله ایجاد شده، برای آنها کلاس توجیهی و ... گذاشته اند». وی در پاسخ به این پرسش که تنها چهار گردان دارید، گفت: «چهار گردان هم نیست». محسن رضایی پرسید: «نیرو کم دارد یا کادر؟» وی پاسخ داد: «هم نیرو هم کادر».

مرتضی صفار، معاون قرارگاه (لشکر) فجر سپاه، نیز بر توجه بیشتر به کمیت و کیفیت نیروی لازم برای عملیات تأکید کرد و با انتقاد از تعدادی از فرماندهان تیپها گفت: «برخی از فرماندهان به هنگام جلسه با لشکر و برآورد نیرو برای ادامه عملیات یک نظر دارند و در جلسه با نیروهایشان نظر دیگری». وی در ادامه، خواستار پرهیز از شتاب بی جا و بی توجهی نسبت به کیفیت نیروها شد و لزوم سنجش و ارزش یابی نیروها را یادآوری کرد. همچنین، افزود: «تمامی مسائل به فرمانده گردان مربوط است. هنگامی که فرمانده زخمی یا شهید می شود، تمام گردان از هم فرو می پاشد؛ نیروها گم می شوند یا به عقب می آیند و... صفار درباره زیانهای انتصاب تعجیلی فرمانده گردانها گفت: «هنگامی

«بهترین راهکار، تصرف یک خط دفاعی جلو این مثلثهاست. ما باید کانال موجود در مثلثها را پشت سر بگذاریم و سپس، مشخص کنیم که باید به کدام سمت برویم». وی با تشریح مسائل و جوانب نظامی پیشنهاد خود، آن را به منزله یک امکان که شاید بتوان از آن استفاده کرد، مطرح نمود. زین الدین در پاسخ محسن رضایی که پرسید تیپ ۱۷ کی برای عملیات آماده است، پاسخ داد: «مشکلات مان خیلی زیاد است». وی همچنین، به جدید بودن خود که هنوز ارتباط لازم را با مسئولان ذی ربط ندارد، اشاره کرد.

نبی رودکی، فرمانده تیپ امام سجاد (ع)، نیز با تأیید طرح مرتضی قربانی مبنی بر عبور از اروند، گفت: «می توان با بسیج کردن مجاهدین عراقی و بچه های عرب زبان خودمان، از داخل خاک عراق نیز اقدام کرد و با به دست آوردن سرپل و سپس، انهدام نیرو در آن طرف، روی اروند هم پل بزیم. در این صورت، نیروها می توانند با عبور از این سرپل به جاده هایی وارد بشوند که پنجاه کیلومتر تا بصره فاصله دارند». وی همچنین، تأکید کرد باید روی جزئیات این طرح بیشتر فکر شود.

عبدالمحمد رئوفی، فرمانده تیپ ۷ دزفول (ولی عصر)، نیز به سختی کار احداث چهارده کیلومتر خاکریز در منطقه عملیاتی رمضان در شب اشاره کرد و یادآور شد: «ما تازه به دو کیلومتری قاعده مثلثها رسیده ایم و دشمن در مثلثها مانده است. برای رسیدن به موفقیت بهتر است به جای عمل روی هر سه مثلثی و احداث چهارده کیلومتر خاکریز تنها روی مثلثی اول عمل کنیم و توان احداث خاکریز را برای احداث هشت کیلومتر جناح راست منطقه عملیات اصلی به کار ببریم و سپس، با انهدام نیروی این منطقه، به کانال پرورش ماهی برسیم و از روی پلهای آن به سمت هدف اصلی برویم». وی در ادامه توضیح داد: «باید یک قرارگاه نیروهای دشمن را منهدم کند تا قرارگاه دیگر از کانال بگذرند. مثلثی اول هدف باشد و خاکریز جناح راست از آنجا به سمت نوک کانال پرورش ماهی زده شود هر چقدر ما رو به سمت شمال مثلثها برویم، از هدف اصلی دورتر می شویم و با خسارت بیشتری باید خودمان را دوباره به هدف اصلی نزدیک کنیم».

رضا چراغچی، فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا (ع)، با اشاره به اشکال ناشی از ضعف نیروهای عملیاتی و ضرورت آموزش و آمادگی آنها، اظهار امیدواری کرد که با نیروی آموزش دیده بتوان با تکرار عملیات به موفقیت رسید.



سپس، حسن باقری، فرمانده لشکر (قرارگاه) نصر، به صحبت پرداخت. وی نخست، نکاتی را درباره عملیات رمضان و نحوه حضور دشمن یادآور شد و گفت: «عقب نشینی نخست تأثیر روحی زیادی روی نیروها، نداشت، اما حرکتهای بعدی، به ویژه مسئله اسیران و به جا ماندن پیکرهای پاک برادران شهیدمان در منطقه دشمن اثر بیشتری داشت.

در اوایل، عراق تانک‌ش را در جلو نیروها و در نوک حمله قرار می داد، اما بعدها به دلیل آسیب پذیر بودنشان، آنها را به عقب برد و افرادش را جلو آورد. حالا تعدادی تانک و افرادی را به منطقه می آورد و برای حفاظت از آنها

که فرمانده گردان، فرمانده گروگانها را نمی شناسد، آنها هم او را به دلیل آشنا نبودن قبول ندارند؛ بنابراین، این پرسش مطرح است که حال چنین فرماندهی چگونه می تواند نیروهایش را فرماندهی کند». وی معتقد بود: «ما با کمبود نیرو و کادر مناسب روبه رو هستیم. در واقع، ما باید براساس توان نیروی خود برنامه ریزی کنیم، مانند سابق که تدبیر بر اساس امکانات بود و آخرین تلاشها را با توکل همراه می کردیم». وی افزود: «تپ آمادگی خود را برای انجام عملیات امشب اعلام کرده است، واقعیت این است که هنوز از آمادگی لازم برخوردار نیست و اگر امشب عملیات کند، به هدف نخواهد رسید».



از خندق، خاکریز، میدان مین، تشکیلات و سنگرهای ایجاد شده در کف زمین استفاده می کند.

هنگامی که از مرزمان می گذرید، در فاصله ۱۵۰۰ متر تا ۱۶۰۰ متر به سنگرهایی که عراق به عمق نیم تا یک متر در زمین ایجاد کرده است، می رسید. آنها هیچ تونل تدارکاتی نیز ندارند. چه طور خودروهایشان را تا همان نزدیکی خط می آورند، جای پرسش است.

در واقع، عراق دیگر نیروی پیاده اش را جلوی ما صف آرایی نمی کند، این تعدادی هم که به صورت پراکنده در منطقه هستند، در همان وهله نخست، فرار می کنند و اگر هم کشته شوند، تعداد درخور توجهی (ششصد نفر) نخواهند بود. در واقع، آنها بیشتر بر زرهی تکیه دارند؛ بنابراین، پی درپی تانک می آورند و ما نیز نمی توانیم دیگر روی انهدام تانک دشمن حساب بکنیم؛ زیرا، تانکهایی را که

صفا در بخش دیگری از سخنان خود به بررسی پیشنهادهای ارائه شده پرداخت و گفت: «اگر واقعاً، عجله ای وجود دارد، کار را جدی بگیریم و در قسمت محدودی تا رأس مثلثی عمل کنیم. و چند روز بعد نیز حتماً، تپهای دیگر این آمادگی را داشته باشند که عملیات را ادامه دهند». وی در پایان، برای بهبود کیفیت نیروهای گردان پیشنهاد کرد که در هر گردان، یک دسته شناسایی ایجاد شود که با شهادت و زخمی شدن نیروهای شناسایی - که در هر عملیاتی حتمی است - کارگردان مختل نشود.

بعد از مرتضی صفا دو تن دیگر از کادرهای لشکرها (قرارگاههای چهارگانه) صحبت کردند که هر دو کیفیت و کمیت ناچیز نیروهای موجود در تپها را مد نظر قرار دادند و پدافند روی قاعده مثلثیها و سپس، حرکت به سوی کانال ماهی را تأیید و جزئیات آن را تشریح کردند.<sup>۲</sup>

منهدم کنیم، جایگزین می شود. بدین صورت، در عمل توان ما بیشتر منهدم می شود. به عبارت دیگر، بحث انهدام دشمن زمانی به نتیجه می رسد که میزان نیروی دشمن مشخص باشد. هم اکنون، استفاده از تانک مورد توجه دشمن است که هم آسیب پذیریش کمتر است، ضمن آنکه از تیر مستقیم تیربار نیز استفاده می کنند. در این شرایط، دشمن تانکهایش را بدون واهمه به خط می آورد، ضمن آنکه، در منطقه عملیاتی رمضان، میدانهای مین عمود بر یکدیگر و خندقهای عمود بر هم دیده ایم؛ مشکلی که ما در حمله از روبه رو با آن مواجه هستیم. نمی دانم چرا برادران به این نکته توجه نمی کنند که چرا نتوانستیم مثلثها را نگه داریم؟! همان زمانی که برادرمان کاظمی می گفت اینجا خاک است و نمی شود در آن وارد شد و عملیات انجام داد، عکس هوایی گرفتیم و دیدیم که پنجاه تا هفتاد دستگاه تانک دشمن در آنجاست. اگر مثلثها برای دشمن قابل استفاده نیست، چرا آنها را ساخته است؟ هر مثلثی سه مثلث است! یک گوشه مثلثی را که تصرف می کند با تیربار هر دو سمت راست و چپ را می زند. ارتفاع خاکریزهای وسط مثلثی نیز نیم متر است؛ بنابراین، خاکریزی وجود ندارد که بتوان پشت آن پدافند کرد، یعنی تیربار و تیر مستقیم تانک کاملاً بر آن تأثیر دارد. همین وضعیت باعث شده است که عراق بتواند خود را از کنار مثلثی به خاکریز ما برساند، ما صبح منطقه را گرفتیم و به احداث خاکریز برای تقویت قاعده مثلثی مشغول شدیم، اما دشمن شب هنگام از دویست متری بر سر بلدوزرهایمان حمله کردند، برادرمان جعفری می گوید دشمن تانکش را تا دویست متری ما آورده بود و ما در آغاز متوجه حضور آنها نبودیم. حالا یا در روز آنها را آورده بود، سرو صدا نمی کرد یا شب آورده بود. به هر حال، این مثلثها را من یک منطقه شوم می دانم».

حسن باقری بعد از مرور مشکلات عملیات پیشنهادی، اجرای آن را به رعایت این نکات مشروط کرد: «ما نخستین حرکتیمان باید با چنان قوتی همراه باشد که این حرکت در شب نخست تثبیت شود. با این پیروزی و تثبیت، روحیه بچه ها تقویت و مسائل روحی پیش آمده تا حدودی جبران خواهد شد، اما اینکه بخواهیم در اینجا عمل کنیم یا نه بحث دیگری است، نکته مهم که مجدداً بر آن تأکید می کنم اینکه حرکت نخست باید قوی و از نوع حرکتهای دورانی که در عملیاتیهای گذشته استفاده می کردیم، باشد. به عبارت دیگر، اگر هر تیبی بخواهد از روبه رو حرکت کند و به مثلثی خودش برسد، در بین راه، به حدی تلفات می دهد

که دیگر نیرویی برای رسیدن به هدف باقی نمی ماند. در اینجا، باید یقین حاصل کرد که در اثر اقدام خودی، ارتباط نیروهای استقرار یافته دشمن در این محوطه با خارج قطع می شود تا بدین ترتیب، تادست یابی به هدف، تلفات زیادی ندهیم. اگر ان شاء الله این نکات را در طرحمان رعایت کنیم، می توانیم خوب عمل کنیم و نتیجه بگیریم».

وی در پاسخ به پرسش محسن رضایی درباره نیروی عمل کننده و استعداد آن، گفت: «قرارگاه نصر از پایین و قرارگاه فتح از بالا بیایند و این رأس مثلثها را به یکدیگر بچسبانند و قرارگاه فجر نیز از روبه رو از ساعت ۲:۰۰ نیمه شب به بعد، انهدام نیروی وسط را به عهده بگیرد». حسن باقری در عین حال، باز هم به نوع خاص پدافند جدید عراق تأکید کرد و گفت: «دشمن آن قدر در اینجا، مواضع مین تودرتو و نامنظم درست کرده است که دیروز، سه دستگاه تانک خودش روی مین رفت، اما باز تلفات تانک خودش را به دلیل اینکه می بیند موانع مین بالاترین تلفات را از ما می گیرد، پذیرفته است. در این عملیات، بیشتر شهیدانمان مستقیم به دست دشمن شهید نشده اند، بلکه بیشتر تلفات ناشی از نواقص طرح خودمان و موانعی که دشمن ایجاد کرده، بوده است». وی سپس، نمونه ای درباره جدیت، پشتکار و سرعت عمل دشمن در احداث موانع ذکر کرد و گفت: «هنگامی که قرارگاه نصر [در منطقه عملیاتی رمضان] عمل کرد، به مین برخورد نمود. در نتیجه، لودرها و بلدوزرهای ما دیگر نتوانستند جلو بروند. در حالی که فاصله عملیات ما با عملیات پیشین بیش از سه روز چهار روز نبود و دشمن در این مدت کم، توانسته بود، موانع متعددی ایجاد کند و بر تعداد مینها و سیم خاردارها بیفزاید».

در اینجا، فرمانده کل سپاه به مسئله احداث خاکریز پرداخت و از حسن باقری پرسید: «خُب، نیروها باید چند کیلومتر خاکریز بزنند». باقری پاسخ داد: «فاصله رأس مثلثها از مثلثی چهارم تا اول ده کیلومتر بیشتر نیست که با چهار کیلومتر جناح چپ منطقه عملیاتی به چهارده کیلومتر می رسد. حال، اگر خاکریز دو جداره شمالی که در مرحله پنجم عملیات رمضان احداث شده بود، پاک شده باشد - که تا حالا خبری از آن نداریم - به آن اضافه می شود در جمع ۲۸ کیلومتر می شود». در عمل، احداث خاکریزی به طول ۲۸ کیلومتر در دشت بدون حفاظ و زیر آتش دشمن، خالی از ابهام و اشکال نمی تواند باشد؛ بنابراین، محسن رضایی برای یافتن چاره ای به منظور کاهش طول خاکریز، از باقری

را حل بکنند؛ نیروی ما از تخصص لازم برخوردار نیست تا در شرایط پیچیده، تصمیمهای پیچیده ای بگیرد».

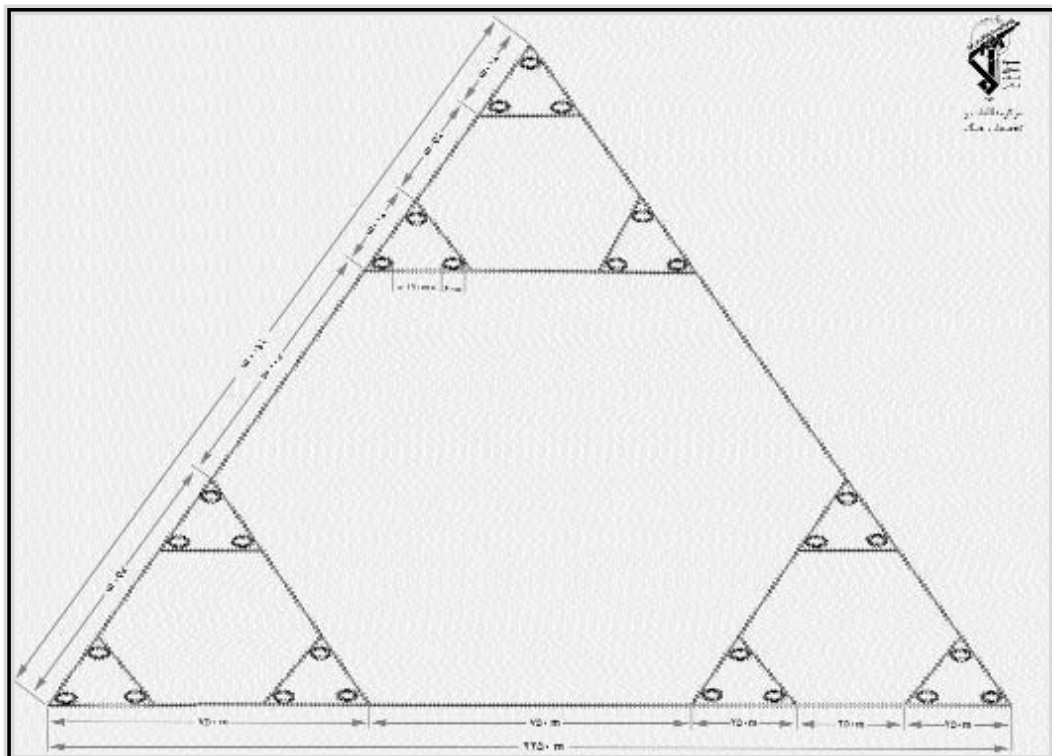
در اینجا، ابراهیم همت، فرمانده تیپ حضرت رسول، وارد بحث شد و ضمن سخنانی گفت: «این امکان برای ما وجود ندارد که شب نخست عملیات بتوانیم رأس مثلثها را به هم متصل کنیم، یعنی دو مرتبه به دنبال چیزی می رویم که امکان پذیر نیست. نیرو را بدون ارزیابی دقیق به مثلثها وارد می کنیم. در نتیجه، سرگردان می شوند. در واقع، ما این کار را به این امید انجام می دهیم که یک دستگاه بلدوزر را عبور دهیم و به آنجا برسانیم، غافل از اینکه، کار به نتیجه نمی رسد؛ زیرا، بلدوزر باید تأمین داشته باشد، در حالی که نیرویی که از اینجا حرکت می کند و یازده کیلومتر راه می رود، دیگر توان پاک سازی منطقه را ندارد و در نتیجه، لودر و بلدوزر نیز تأمین نخواهند داشت، حتی اگر بلدوزرها حرکت بکنند و منطقه نیز پاک سازی شود و آنها به سختی

پرسید: «شما چرا می گوید نمی توان قاعده مثلثها را حفظ کرد؟» باقری پاسخ داد: «منطقه مثلثها پیچیده است، ما در قاعده مثلث، دیدی روی اضلاع مثلثی نداریم، دشمن حرکت می کند و به تدریج، از گوشه های مثلثی جلو می آید، حتی در بیست متری نیز، نمی توانیم با تیربار آن را هدف قرار دهیم».

در اینجا، درباره نحوه عمل نیروهای خودی و دشمن در مثلثها، بحثی طولانی انجام گرفت و افرادی که خود در مثلثها بوده اند - از جمله احمد کاظمی - توضیحاتی دادند و در آخر، باز هم حسن باقری تأکید کرد: «اگر دشمن یک گوشه مثلثی را بگیرد، مثلثی سقوط کرده است؛ دیگر نمی توان مثلثی را حفظ کرد». وی همچنین، درباره ویژگیهای خاکریزهای پیچیده داخل مثلثها توضیح داد و افزود: «دشمن با اتکا به این خاکریزها و دو جناح، جلو می آید. خُب نیروهای پیاده ما نمی توانند تا این حد پیچیدگی

#### مشخصات مواضع مثلثی شکل دشمن در منطقه عملیاتی رمضان

- هر مثلث بزرگ محل استقرار یک گردان زرهی می باشد.
- هر مثلث متوسط که در گوشه های مثلث بزرگ احداث شده، محل استقرار یک گروهان زرهی می باشد.
- هر مثلث کوچک که در گوشه های مثلث متوسط احداث شده، محل استقرار یک دسته زرهی می باشد.
- خاکریزهای بیضی شکل داخل مثلث کوچک، مواضع تانک می باشد.
- فاصله مثلثهای بزرگ از یکدیگر ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر می باشد



می توانند از ساعت ۲:۰۰ تا ۲:۳۰ بامداد وارد عمل بشوند، حتی در همین نیم ساعت نیز نمی توانند، این مثلثها را به هم وصل کنند. البته، فراموش نکنیم که تمام تیپهایمان نمی توانند به طور کامل طی پنج روز آماده شوند».

مجدداً درباره چگونگی چیره شدن بر مثلثها و اینکه خط پدافندی بهتر است در قاعده مثلثها باشد یا در جلوی آنها، بحث شد و افراد نظرهای کارشناسی خود را ارائه دادند، از جمله احمد کاظمی تأکید کرد: «به اینکه بشود رأس مثلثی را خاکریز زد، اصلاً فکر نکنید».

پس از بحثهای فرماندهان، حسن باقری گفت: «حالا بگذارید در بحثمان، مرحله ای به جلو برویم. آیا برادران قبول دارند که نمی توان در قاعده مثلثها پدافند کرد؟ به عبارت دیگر، هدف عملیات چیست؟ اگر انتهای مثلثی را به عنوان هدف قبول دارند، باید در این باره بحث کنیم که چگونه می توان خاکریز احداث کرد، من باید یادآور شوم که انتهای مثلثها را هدف می دانم، اگر این خلاف نظر شماست، این حالا، بحث دیگری است». مجید بقایی، فرمانده قرارگاه (لشکر) فجر سپاه، جهت بحث را تغییر داد: «نخست، هدفمان از احداث خاکریز چیست؟ در واقع، باید جهت حرکتمان را مشخص کنیم. واقعاً اگر می خواهیم بعد از آن، حرکت بعدی خود را آغاز کنیم - که فکر می کنم نظر برادران، به ویژه برادر حسن باقری این باشد - خوب، چرا برویم چهار تا مثلثی را بگیریم؟ بهتر است دو تا مثلثی را بگیریم، ولی خاکریز را به طور مایل بزنیم. دیگر اینکه از حرکتهای ظریف که یک نیرو از این و نیروی دیگر از آن طرف برود و دشمن را دور بزند، به شدت پرهیز کنیم. اینجا رقابیه، میشداغ و عین خوش نیست، اینجا منطقه همواری است که در دید دشمن قرار دارد، به طوری که در روز، هر اندازه نیروی ما اینجا با یکدیگر متصل باشد، دشمن به راحتی آنها را با تانک می شکافد و جلو می رود، به ویژه اگر سیستم فرماندهی دشمن به هم نخورده باشد. نظر من این است که دو تا مثلثی را بگیریم، خاکریز را نیز به شکل مایل بزنیم و نیروهای دشمن را منهدم کنیم و انعطاف نیز داشته باشیم و اگر توانستیم نوک دو تا مثلثی را به هم متصل کنیم و در غیر این صورت، قاعده را پدافند کنیم. با دو جداره کردن خاکریز در دو مثلثی می توانیم در قاعده پدافند کنیم و هنگامی که مطمئن شدیم، توانایی نگهداری این خط را داریم و پس از یک هفته که تیپها آماده شدند، حرکت را تغییر دهیم و به طرف کانال پرورش ماهی سرازیر بشویم. بدین ترتیب، با تمرینی که در عبور از کانال می کنیم و با

داشتن این سر پلها، مشکل عبور از کانال و گرفتن سرپل را می توانیم حل کنیم».

حدود ساعت ۱۳:۰۰، جلسه برای اقامه نماز تعطیل شد، اما فرصتی برای صرف ناهار نبود؛ بنابراین، بلافاصله بعد از نماز جلسه ادامه یافت. نخست، فتح الله جعفری، فرمانده لشکر ۳۰ زرهی سپاه، نظر خود را درباره بحث ارائه داد و تأکید کرد: «حتی اگر منطقه را بگیریم، اما از سرعت لازم برخوردار نباشیم، دشمن با امکانات زیادی که در رها کردن آب دارد، راهکار حرکت بعدی ما را خواهد بست و اگر در انجام همین حرکت نیز تأخیر کنیم، کل منطقه با آب مسدود خواهد شد». وی سپس، درباره چگونگی عمل در مثلثها گفت: «باید جلو مثلثها پدافند کنیم؛ زیرا، ماندن در پشت آنها امکان پذیر نیست».<sup>۳۳</sup>

عزیز جعفری، معاون قرارگاه (لشکر) نصر، نیز گفت: «در راستای صحبتهای آقای صفار باید تأکید کنم که عملیات و مراحل انجام شده آن را بررسی کنیم و نقاط ضعف و دلیل آنها را بیابیم. در واقع، مشکل ما در کیفیت نیروها یا کمبود آنها بود. این واقعیت همیشه در مورد تیپهای ما وجود دارد که تا دو ماه پس از بازسازی و اجرای نخستین عملیات، بالاترین کیفیت را دارند و بعد از آن، کیفیتشان کاهش می یابد، مگر اینکه فاصله اجرای دو عملیات زیاد باشد. موضوع دیگر اینکه چرا در مرحله پایانی عملیات رمضان، با وجود اینکه جناح راست و جناح چپ کامل بود، در محور وسط الحاق صورت نگرفت؟ در پاسخ بدین پرسش باید گفت عوامل زیادی در این باره مؤثر بود که استعداد نیرو و کیفیتشان از جمله آنهاست. در واقع، مشکل این است که ما به کمیت و کیفیت نیرو در طرح مانورها اهمیت کمتری می دهیم و آنها را کمتر بررسی می کنیم». وی بعد از بررسی مشکلات عملیات سابق، افزود: «مجدداً برادران پیشنهاد می کنند که ما همین عملیات را انجام بدهیم، حتی یک گام هم پافراتر می گذاریم و می خواهیم، نوک مثلثها را با این همه مشکل به هم وصل بکنیم! به نظر من، باید درباره این مسائل واقع بین باشیم، حتی اگر یک هفته را به بازسازی تیپها، اختصاص دهیم، باز هم یگانها آن کیفیت اولیه را نخواهد داشت و استعداد لازم به دست نخواهد آمد تا عملیاتی به این بزرگی انجام شود، به ویژه با توجه به اینکه یک بار این حرکت انجام شده است و دشمن کاملاً نسبت به نقاط ضعف خود آگاه شده است. با توجه به اینکه در رسیدن به هدف باید به استعداد و کیفیت نیرو نیز اهمیت دهیم، پیشنهاد می کنم باز هدف عملیات



منطقه، خاکریز بزنیم. البته، باید توجه داشته باشیم که در راهکار پیشنهادی قبلی، باید حدود ۲۴، ۲۵ کیلومتر یا دست کم ۱۶، ۱۷ کیلومتر خاکریز می‌زدیم، اما براساس پیشنهاد جدید، با انجام مرحله نخست عملیات، که به تصرف و تثبیت دو مثلثی می‌انجامد، تنها پس از استقرار دستگاهها، در شب دوم زدن هفت هشت کیلومتر خاکریز لازم است در این صورت، با توجه به اینکه دو جناحمان به آب می‌رسد، فشار دشمن بیشتر می‌تواند از یک جناح باشد».

با سخنان احمد غلامپور، اظهار نظر فرماندهان تپنها و لشکرها پایان یافت. سپس، مسئولان قرارگاه مرکزی فرماندهی و هدایت عملیات - به بیان نظرهای خود پرداختند. از این قرارگاه، نخست غلامعلی رشید، معاون قرارگاه، درباره بسیج مردم گفت: «الان بسیج نیروهای مردمی کل کشور به عهده سپاه گذاشته شده است؛ مسئله‌ای که یک هشدار برای ما محسوب می‌شود. برادران اگر ما بخواهیم این طور با نیرو رفتار کنیم و از هم اکنون، ضعف نشان دهیم، توانایی بسیج مملکت را نخواهیم داشت. ما باید بتوانیم نیم میلیون سرباز را در عملیات به کارگیریم، در حالی که اکنون، با تمام تلاشی که طی دو ماه انجام داده‌ایم، تنها توانسته‌ایم پنجاه هزار نفر نیروهای مردمی را وارد عملیات کنیم! ترس آن می‌رود که در صورت ادامه و تکرار چنین توقفهایی و تشکیل نشدن تیپ و لشکرهای بیشتری، مسئولان مملکتی حتی مجلس و ارتش هم، نگاه دیگری به عملکرد ما داشته باشند. خُب، ما

کوچک تر و سهل تر و آسان تری را انتخاب کنیم». وی همچنین، در روی نقشه شرق بصره، پیشنهاد اجرای عملیات در منطقه‌ای دیگر را داد که دورتر از منطقه مورد بحث است.

بعد از سخنان عزیز جعفری و مباحثی طولانی - که گاه در قالب گفت و گوی چند نفری پیگیری می‌شد - احمد غلامپور، فرمانده قرارگاه (لشکر) قدس سپاه، گفت: «هر اندازه از منطقه عملیاتی رمضان به طرف شمال برویم، از هدف اصلی خود دور می‌شویم؛ بنابراین، پیشنهاد می‌کنم ذهنمان را هر چه بیشتر به طرف جبهه جنوب معطوف کنیم. در ضمن، از پنج عملیاتی<sup>(۱)</sup> که در گذشته در جبهه جنوب انجام داده‌ایم سه عملیات به جز اشکالی که در خاکریز زدن داشتیم، تقریباً از نظر انهدام نیرو و دستیابی به هدف، موفقیت آمیز بود. با توجه به این امر، پیشنهاد می‌کنم که نقص عملیاتیهای پیشین (ضعف در زدن خاکریز) را پیش از اجرای عملیات بررسی کنیم. از آنجا که مطمئن هستیم، می‌توانیم روی زدن خاکریز حساب کنیم، بهتر است در همین منطقه، برای تصرف دو تا از مثلثیها کار و بر روی دو قرارگاه سرمایه گذاری بکنیم، بدین ترتیب که در مرحله نخست، یک قرارگاه وارد عمل شود و دو تا از این مثلثیها را تصرف بکند تا جایی برای مرحله بعدی عملیات باز شود. سپس، ۲۴ ساعت بعد، قرارگاه دیگر از نوک این مثلثی عملیات را ادامه دهد و به جلو برود. و پس از اینکه منطقه را تصرف کردیم، دستگاهها و تجهیزات را آماده بکنیم و در منطقه بین زید، آب گرفتگی و کانال ماهی در جناح راست

(۱) اشاره به عملیاتیهای فرمانده کل قوا، ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس

می‌خواهیم نیروهای مردمی را بسیج کنیم اگر فرماندهی سپاه نباشد، بسیج نیروهای مردمی بر عهده چه کسی خواهد بود. هم اکنون، تشکیلات ما در رده تشکیلات گروهان یک ارتش کلاسیک عمل می‌نماید، یعنی فرمانده تیپ ما در خط زندگی می‌کند؛ جایی که فرمانده گروهان ارتش هم به آنجا نمی‌آید...».

غلامعلی رشید سپس، به تحلیل و بررسی عملیات رمضان و عوامل توقف و عدم موفقیت نیروهای خودی در این عملیات پرداخت. وی در تشریح این مسائل به سه مورد اشاره کرد:

۱) در این منطقه، زمین عارضه طبیعی اعم از کوه و تپه (مانند عملیات فتح المبین) یا جاده بلند (جاده اهواز - خرمشهر در عملیات بیت المقدس) ندارد و وضع زمین به گونه‌ای است که اجازه نمی‌دهد ما مانند گذشته موفق عمل کنیم.

۲) آسودگی خاطر فرماندهان عراق از جبهه‌های دیگر و تمرکز بر همین یک جبهه مشکل دیگری است که در عملیات فتح المبین با آن روبه‌رو نبودیم؛ چرا که لشکر ۵ و ۶ دشمن در پشت کرخه کور و غرب اهواز ماندند و ما با آنها درگیر نشدیم، اما اینجا عملاً با هر ۱۲ لشکر عراق درگیریم، حتی عراق عمده لشکرهاش را از جبهه غرب آورده است و اکنون، بیش از یک جبهه برایش مطرح نیست و تمام توانش را برای همین یک جبهه گذاشته است؛ موضوعی که به آن نیندیشیده بودیم.

۳) فرصت دادن به دشمن، عامل بعدی است. بدین ترتیب که بعد از بیت المقدس، دشمن بازسازی یگانها و ایجاد استحکامات خود در زمین را آغاز کرد و اکنون، هم اگر بیشتر صبر کنیم، همین لشکرهای منهدم شده‌اش را بازسازی و بر استحکاماتش خواهد افزود.».

موضوع بعدی سخنان رشید، تداوم عملیات و نحوه آن بود. وی نخست اشاره کرد: «اگر بخواهیم در نگاهی کلی بصره را به منزله هدف تعریف کنیم، باید آن را در مرحله سوم عملیات بیت المقدس ببینیم. هدف دومین مرحله از این عملیات، رسیدن به مرزهای بین‌المللی دو کشور و هدف سومین مرحله، دست‌یابی به بصره تعیین شده بود، اما در عملیات رمضان، به دلیل انهدام عقبه لشکر ۶، وسوسه شدیم و در آغاز کار، همه قدرتمان را روی محور اصلی (عبور از نوک کانال ماهی و نهر کتیبان) نگذاشتیم، شاید اگر در محور اصلی با تمام قدرت وارد عمل می‌شدیم، موفق بودیم.».

غلامعلی رشید سپس، عملیات آینده را بررسی و

پیشنهاد جدیدی را مطرح کرد: «اساساً، باید از فکر عمل در مثلثها بیرون بیاییم و از اجرای عملیات در منطقه عملیاتی مرحله پنجم صرف‌نظر کنیم و به سراغ محور اصلی عملیات بیاییم». البته، وی راهکاری جدا از آنچه تاکنون مطرح شده بود، پیشنهاد کرد: «هم اکنون، دشمن می‌داند که هدف ما گذشتن از دو سرکانال است که مرتباً این کار را تکرار کردیم، اما هیچ‌گاه از خود کانال و پلهای آن عبور نکردیم، یعنی دشمن از موضوع عبور ما از کانال غافل است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌کنم اقدام روی مثلثها را رها کنیم و به جای آن خاکریز جناح را به طول یازده، دوازده کیلومتر احداث کنیم». وی در ادامه افزود: «برای بازسازی، بیست روز فرصت لازم داریم و پس از این مدت می‌توانیم با سه قرارگاه کار کنیم بدین صورت که قرارگاه فجر روی کانال ماهی، سرپلی را بگیرد تا قرارگاه فتح و نصر از آن عبور کنند. در این مرحله می‌توانیم، حدود پنجاه تا شصت گردان وارد عمل کنیم و از پلهای روی کانال عبور و به هدف اصلی، که رسیدن به توممه و بصره است، نزدیک شویم». وی سپس، به دفاع از نظرش پرداخت و برخی از جزئیات طرح را در پاسخ به پرسشهای مطرح شده تشریح کرد.

پس از وی، رحیم صفوی، معاون اول قرارگاه کربلا، سخنان خود را در دو قسمت جداگانه، بیان کرد. وی در قسمت نخست سخنان خود، به مسائل سیاسی روز پرداخت و سپس، مشکلات اجرای عملیات را در جبهه غرب مورد توجه قرارداد. به نظر وی: «در جبهه غرب، که زمین کوهستانی است پیاده بهتر عمل می‌کند، ضمن آنکه باید یادآور شد همیشه حرکت و اقدام در غرب با دغدغه‌هایی نیز همراه است. از جمله اینکه دست کم، سه ماه وقت برای انتقال نیرو و تجهیزات به غرب لازم داریم و امکانات ما و ارتش کفاف نمی‌کند که هم در غرب باشیم هم در جنوب. اقدام در منطقه کوهستانی به نیرو و تدارکات بسیار زیادی نیاز دارد و ما در این مورد با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستیم، ضمن آنکه از نظر فرماندهی نیز، توانایی آن را نداریم که به طور هم‌زمان در دو جبهه غرب و جنوب باشیم و جمع حاضر همه سرمایه جنگ است.».

معاون قرارگاه کربلا سپس، نتیجه‌گیری کرد: «پس اگر بخواهیم کاری جدی انجام دهیم، باید قرارگاه کربلا و تمامی امکانات سپاه را به منطقه غرب منتقل کنیم، در حالی که این امر بسیار مشکل و شاید ناممکن باشد. البته، راه بازگشت نیز نداریم و تنها راه همان است که به بصره

مشکلات را بررسی و صحبت کنند تا زمانی که عملیات با مشکل روبه‌رو می‌شود، نگوییم اگر این طور می‌شد، بهتر بود. طبق طرح‌های مختلفی که امروز مطرح، بررسی و رد شد، نخستین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که این هدف عملیات است که ما را هدایت می‌کند، نه چیز دیگر.

نکته دوم اینکه، اکتفا به یک راهکار، درست نیست؛ زیرا هر اندازه هم حساب شده باشد، مانند تداوم عملیات رمضان، که قرارگاه تهاجمی درست کردیم، امکان دارد، کار با مشکل روبه‌رو شود و پیش نرود؛ بنابراین، باید راهکارهای دیگری نیز آماده شوند تا سه چهار ماه برای طراحی مجدد عملیات دیگر معطل نشویم.

مسئله دیگر اینکه، ما توانایی اجرای عملیات در دو جبهه را نداریم. البته، اگر بتوانیم دو منطقه را به هم وصل کنیم، خوب است، به شرط آنکه تجزیه نشویم و قدرتمان پخش نشود؛ زیرا، هدفمان در عمق است و ما به نیرو و قدرت بیشتری نیاز داریم. در این عملیات نیز، اشتباه کردیم که تلاشمان را تقسیم کردیم؛ بنابراین، اکنون نمی‌توانیم در غرب عمل کنیم. البته، می‌فرستیم بررسی کنند.

مسئله زمان نکته دیگری است که باید بدان توجه کرد. اینکه گفته می‌شود برای کسب آمادگی بیست روز، یک ماه، دو ماه زمان لازم است، درست است، اما هر چه مدت زمان بیشتری را به این کار اختصاص دهیم، دشمن نیز هوشیارتر می‌شود و نباید به دشمن زمان دهیم؛ بنابراین، دو موضوع بازسازی و فرصت ندادن به دشمن را باید با هم جمع کنیم. تنها راه حل این موضوع آن است که با تلاش دو چندان تا سه روز دیگر، اقدام کنیم.

مسئله دیگر اینکه اگر عقبه ما ده کیلومتر باشد، خطرناک است. در واقع، اینکه ما اجرای عملیات را به محدوده آب گرفتگی و پاسگاه زید محدود کنیم و در عمق پیش برویم، خطرناک است، اما اگر این مثلثها را بگیریم و در عمل اصلی، به عمق نیز برویم، عقبه مان کم‌عرض نمی‌ماند. تأثیر دیگر عمل نخست در مثلثها این است که دشمن علیه آن عملیات، اقدام می‌کند و به سراغ احداث استحکامات اساسی نمی‌رود. به هر حال باید تا چند روز دیگر یک قطعه زمین را بگیریم و یک هفته بعد، عمل اصلی را آغاز کنیم.

محسن رضایی سپس، تعداد نیرو و میزان آمادگی یگانها را بررسی کرد. بدین ترتیب، مشخص شد که آمادگی چندان وجود ندارد، با این وجود، در صورت ضرورت

می‌رسد؛ راهی که باید بررسی و درباره آن برنامه ریزی شود، ضمن آنکه باید، در نهایت، به خدا توکل کنیم من یتق الله يجعل له مخرجاً (هر کس تقوای الهی پیشه کند، خدا راه نجات و راه خروج را بهش نشان می‌دهد). اگر ما گناهکاریم، این بچه‌هایی که می‌آیند بچه‌های پاک و معصومی هستند و خدا دلش به حال آنها به رحم می‌آید». وی تأکید کرد: «به هر حال، نظر من با اطمینان این است که باید در اینجا عملیات را ادامه دهیم و اهداف آن را تأمین کنیم. مردم ما به هیچ وجه توقف را نمی‌پذیرند و از نظر سیاست خارجی نیز، هرگونه توقف در اینجا، شکست عملیات رمضان و در نتیجه، شکست ایران تلقی می‌شود. رحیم صفوی در مورد عملیات مورد بحث نظر موافق مشروط داشت: «اگر نیرو داشته باشیم، می‌توان طرح مانورهای خوبی را انجام داد، اما با این نیرو و امکانات موجود، حداکثر باید در دو مثلثی عمل کنیم و جلو آنها خط پدافندی تشکیل دهیم و سپس، جهت حرکت را کاملاً تغییر دهیم. در این صورت، دشمن را غافل گیر می‌کنیم و با این غافل‌گیری و عملکرد قدرتمندانه به پیش می‌رویم و با دو قرارگاه، تلاش اصلی را روی عبور از کانال ماهی می‌گذاریم و سپس، به سمت تنومه می‌رویم». وی پس از توضیحاتی در این باره، گفت: «این کار تنها در فرصت مناسبی با کار و تلاش شدید در یگانها و مناطق سپاه امکان‌پذیر است و باید به سختی کار کنیم».

در ادامه جلسه، در مورد جزئیات و مشکلات عملیات مباحثی مطرح شد، از جمله حسین خرازی پیشنهادی در تکمیل طرح رحیم صفوی داد و اصغر کاظمی، مسئول طرح و عملیات قرارگاه کربلا، با تأیید طرح رشید، برای صرفه‌جویی در تعداد نیروهایی که در خط پدافندی به کار گرفته می‌شوند و نیز درباره آموزش و افزایش کیفیت گردانها توصیه‌هایی کرد. بزرگ‌زاده از ستاد قرارگاه کربلا نیز گفت: «طبق طرح برادر رشید، اگر مدت بیست روز را برای آمادگی در نظر بگیریم، دشمن در منطقه آب رها می‌کند و تمامی راهکارها را می‌بندد؛ بنابراین، باید کاری کرد که هم موضوع آمادگی نیرو و هم مشکل رها کردن آب حل شود». وی پیشنهاد کرد که عملیات محدودی در منطقه انجام شود تا در این مدت، (بیست روز) نتواند زمین را زیر آب فرو ببرد».

بعد از اینکه حاضران نظرهای خود را گفتند و نظر دیگران را نیز نقد کردند، مجدداً فرمانده کل سپاه گفت: «یکی از هدفهای ما از این جلسه این بود که خود برادران

انجام عملیات می‌توان نیروهایی را مانند تیپ حضرت رسول، چهار گردان؛ تیپ عاشورا، چهار گردان؛ تیپ ولی عصر، چهار گردان؛ و... برای عملیات گردآوری کرد. در ادامه جلسه، غلامعلی رشید اشکالاتی درباره این پیشنهاد مطرح کرد بدین ترتیب که: «حدود پانزده کیلومتر باید خاکریز بزنیم، توان ما در مثلثها خرج می‌شود و خاکریزهای منطقه و مثلثها بین ما و دشمن واقع است و نیروهای دشمن می‌توانند از روی آنها عبور کنند و عملیات ایذائی انجام دهند؛ و...». رشید سپس، همان طرح خود را تکرار کرد، ولی به جای بیست روز زمان برای کسب آمادگی، گفت: «برادران قول آمادگی در ده روز را می‌دهند». محسن رضایی مجدداً گفت: «اولاً باید این امکان را از دشمن بگیریم که نتواند استحکامات جدیدی را ایجاد کند و در منطقه آب رها کند. دیگر آنکه، وسعت عقبه نیروهای خودی را باید افزایش بدهیم. با این عقبه کم، عبور یگانهای چند قرارگاه شدنی نیست». حسن باقری نیز به بحث وارد شد و تلویحاً، روی عمل در مثلثها نظر منفی داد. در اینجا، رشید باز هم روی غافل‌گیری دشمن تأکید کرد: «سه بار سراغ کانال پرورش ماهی رفتیم، اما برای عبور، نه از پل روی کانال، بلکه از نوک کانال اقدام کرده ایم و دشمن تصور می‌کند که باز هم این کار را می‌کنیم؛ بنابراین، اگر برای عبور از پل روی کانال اقدام کنیم، دشمن غافل‌گیر می‌شود». رشید همچنین، امیدوارانه گفت: «تا ده روز دیگر فتح با سی گردان و نصر با سی گردان می‌تواند آماده عملیات بشوند».

محسن رضایی: «مگر این نیروها که می‌آیند، به آموزش نیاز ندارند؟!»

رشید: «مگر بعد از عمل در مثلثها برای عمل اصلی نیروی جدید لازم نیست؟!»

بحث طولانی شد و محسن رضایی بر سه مورد تأکید کرد:

۱) جلوگیری از ایجاد استحکامات جدید از سوی دشمن اگر ظرف دو روز آینده عمل نکنیم، تلاش اصلی دشمن بر این متمرکز می‌شود که مانع از عمل شود و زمین را پس بگیرد

۲) افزایش وسعت عقبه‌ها؛ و

۳) افزایش امکانات و راهکارها، به صورتی که اگر در راهکار اصلی مورد نظر توقیفی پیش آمد، این امکان باشد که مثلاً، یک قرارگاه بتواند از نوک همین مثلثها جناحی از

دشمن را هدف حمله قرار دهد و بگیرد.

بعضی از حاضران این اشکال را مطرح کردند که در منطقه‌ای که از سه طرف امکان پانک نسبت بدان وجود دارد، چگونه می‌توان حدود ده روز ماند. مباحث همچنان ادامه داشت و در مجموع، به تدریج، یک نکته روشن شد و آن اینکه از نظر فرماندهی سپاه، تکرار عملیات در محدوده دژ مرزی و مثلثها، شبیه عملیات مرحله پنج، تنها راه تداوم عملیات در این منطقه است، اما دیگران غالباً آن را در وضع موجود عملی نمی‌دانستند.

عزیز جعفری آخرین نفری بود که در میان بحث جمعی اجازه گرفت و نکته‌ای را مطرح کرد. وی به محسن رضایی یادآور شد: «در آخرین مرحله عملیات رمضان، از تیپ حضرت رسول شش الی هفت گردان، تیپ امام حسین، شش گردان و تیپ کربلا، سه گردان وارد عمل شد. خود من ساعت ۷:۰۰ صبح به خط رفتم، افراد ما در مثلثی بالا بودند، اما بقیه خط خالی بود، یعنی تمام این نیروها که گفتم، تنها صرف جناح راست شده بود.<sup>(۱)</sup> حالا می‌خواهیم همان عملیات را با سه گردان از تیپ حضرت رسول (ص) و چهار گردان از تیپ کربلا آن هم برای کل منطقه انجام دهیم». وی با تأکید و قاطعیت افزود: «ما با توجه به استعداد نیرو نمی‌توانیم این عملیات را انجام دهیم». سکوت جمع نوعی موافقت با این نظر بود. کمتر از یک دقیقه بعد، محسن رضایی تصمیم نهایی خود را به این ترتیب به حضار اعلام کرد:

«پس امشب تپهای حضرت رسول و کربلا به شناسایی بروند و آر.پی. جی. زنهایشان را به محورها بفرستند. ما تا شب به شما اعلام می‌کنیم که عملیات چه وقت انجام می‌شود، اما بی‌کار هم نباشید. تپهای نجف و عاشورا هم به کارشان ادامه دهند؛ در پایین هم، تیپ ولی عصر در جای خود باقی بماند؛ تیپ امام حسین هم برای بازسازی برود و برای عملیات اصلی آماده شود».

برخی از مباحث، مانند چگونگی تحویل خط یگانها و قرارگاهها باز هم گفت و گو را جمعی کرد و مجدداً یکبار دیگر محسن رضایی به تمامی تپها تأکید کرد: «بروید شناسایی را ادامه بدهید تا خبرتان کنیم».

شوخی رحیم صفوی با صدای بلند که عجلوا بالطعام قبل الموت به یاد همه آورد که نهار خیلی دیر شده است. ساعت حدوداً ۳ بعدازظهر بود و همه سخت گرسنه بودند.<sup>۵</sup>

(۱) در اینجا، رحیم صفوی اشاره کرد: که نیروهای تیپ المهدی هم آنجا بودند. سپس، عزیز جعفری گفت: این هم که اضافه شده بود.